

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۹ (پیاپی ۲۶) بهار ۹۰

## بررسی فن تشبیه در معلقه امرؤالقیس

(علمی - پژوهشی)

دکتر احد پیشگر

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

### چکیده

امروء القیس معروف به ملک الضلیل از شعرای یمن و پیشرو شاعران طبقه اول دوره جاهلی است. دیوان اشعار او شامل ۲۵ قصیده و چند قطعه است که مشهورترین قصیده او معلقه اوست که زبازد خاص و عام است. گروهی از جمله زوزنی و خطیب تبریزی آن را شرح کرده اند و بادیگر معلقات چند بار به چاپ رسیده است. امروء القیس نخستین کسی است که قصاید را با گریه بر اطلال خیمه گاه معشوق آغاز کرده، نخستین کسی است که با ظرافت از عشق سخن گفته، نخستین کسی است که در اشعار خویش تصاویر بسیار زیبا به کار برده که بعدها مورد تقلید دیگران قرار گرفته، نخستین کسی است که در وصف های کوتاه پر محتوا (تصویر زن، صحنه شکار، وصف اسب و شتر و شب) زبر دستی نشان داده است و این به خاطر مسافرت های زیاد و معاشرت های دایمی اوست که قریحه او خوب پرورش یافته و به همین علت اشعارش مملو و آکنده از معانی تازه شده است.

امروء القیس از میان آرایه های ادبی به تشبیه علاقه خاصی داشته و بیشترین تشبیهات او حسی است و ماده تشبیه را از طبیعت بدوی یا از زندگی نوش خواری و لذت جویی خویش گرفته است. به طور کلی، در شعر جاهلی تشبیه و معلقات آن نقش بسزایی دارد. تصویر، اصل مهمی از اصول صناعت شاعر جاهلی است که هیچ شعری از اشعار جاهلی خالی از آن نیست. امروء

القیس در بین شاعران هم رده اش، بهترین تشبیه آفرین و معلقه او مملو از تشبیهات نغر است. در واقع او « صاحب فن تشبیه » در عصر جاهلی است و بعد از او تشبیهاتش مورد تقلید شاعران عرب و عجم گشته است.

کلید واژه ها: معلقه امروء القیس تشبیه عصر جاهلی.

#### مقدمه

امروء القیس ابو حارث خندج ابن حجر کنندی معروف به الملك الضلیل وذوالقروح در سال ۵۲۰م به دنیا آمد. او از شعرای یمن و پیشرو شاعران طبقه اول جاهلی است و قدیم ترین کسی است که راویان، شعر بسیار از او نقل کرده اند. دوران جوانی خود را با لهو و لعب سپری نمود و به همین خاطر پدرش او را طرد نمود تا اینکه روزی به او خبر رسید که پدرش رابه خاطر استبداد و بد رفتاری کشته اند؛ آنگاه در صدد خونخواهی پدر برآمد و قبایل طرفدار کننده را به جنگ کشید ولی کاری از پیش نبرد تا بالأخره به قیصر روم پناهنده شد و در راه بازگشت دچار مرض آبله شد و در انقره (=آنکارا) در گذشت و در همان جا مدفون شد نیز گفته اند به وسیله قیصر روم مسموم شد. مرگ او بین سال های ۵۶۰م تا ۵۶۵م اتفاق افتاده است.

بیشتر اشعار امروء القیس از بین رفته است و آنچه برای ما باقی مانده، دیوان کوچکی است شامل حدود ۲۵ قصیده و چند قطعه که برای بار اول در سال ۱۸۳۷ به کوشش دسلان (*Deslane*) در پاریس چاپ شده است. مشهور ترین قصیده او معلقه اوست با مطلع:

قفا نَبَكِ مِنْ ذِكْرِي حَبِيبٍ وَمَنْزِلِ بَسْفَطِ اللَّوِيِّ بَيْنَ الدَّخُولِ فَحَوْمَلِ

معلقه امروء القیس ۸۱ بیت است در بحر طویل. گروهی از جمله زوزنی و خطیب تبریزی آن را شرح کرده اند و با دیگر معلقات چند بار به چاپ رسیده و به زبان های دیگر چون لاتین و فرانسه و روسی و فارسی ترجمه شده است.

انگیزه امروء القیس در سرودن این قصیده، « روز داره جلجل » بود که در آن روز باغئیزه دختر عمویش، شرحیل، روبرو شد و امروء القیس سخت عاشق او بود. غئیزه با جمعی از دختران به سیر و گشت آمده بود. امروء القیس ناچه خود را برای او و دوشیزگان همراهش ذبح کرد. از آن پس بود که او معلقه خود را که حاوی چند قطعه است، سرود. امروء القیس در این قصیده نخست به شرح آن واقعه می پردازد و پاره ای خاطرات خود را

Archive of SID